[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1395.7.2.9.2]

[DOI: 10.18869/acadpub.jspi.7.2.177]

معرفی و نقد کتابِ

زنان و مسائل اجتماعی

فاطمه موسوی ویایه*

در چند سال اخیر، شهرداری تهران رویکرد خود را در حوزهٔ اجتماعی تغییر داده و با تعریف طرح‌های اجتماعی و فرهنگی گوناگون درصدد است تا بر زندگی شهروندان به‌ویژه زنان تأثیربگذارد و با هدف توانمندسازی زنان برخی مسائل پرشمار آنها را حل کند و به بخشی از نیازهای آنها پاسخ دهد. یکی از برنامه‌های پژوهشی این حوزه، مجموعه کتاب‌های زنان و زندگی شهری[1] است که ستاد توانمندسازی زنان شهرداری تهران با همکاری استادان دانشگاه در حوزهٔ زنان و مطالعات شهری بین سال‌های ۹۰ تا ۹۲ منتشر کرد. هدف این مجموعه، بررسی سهم و نقش زنان در کلان‌شهر تهران در ابعاد مفهومی، نظری و سیاستی بود تا تغییرات فزایندهٔ زندگی شهری را در پرتو رویکردها و گفتمان‌های تازه‌تری در حوزهٔ مطالعات شهری هدف مداقه قرار دهد و سیاست‌ها و فعالیت‌های انجام‌شده در این حوزه را بازنگری کند. مطالعات انجام‌شده در هفت‌حوزه به این شرح انتشار یافت: زنان و حقوق شهروندی و مدیریت شهری، زنان و اقتصاد شهری، زنان و فضاهای عمومی شهری، زنان و مسائل اجتماعی، زنان و سرمایهٔ اجتماعی، زنان و فرهنگ شهری، زنان و سلامت و محیط زیست شهری. این مجموعه در ششمین جشنوارهٔ بین‌المللی برترین‌های پژوهش و نوآوری مدیریت شهری با رویکرد اجرایی شدن طرح‌های دانش‌محور اثر برتر شناخته شد.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان ft.moosavi@gmail.com

[1] سراج‌زاده، سیدحسین و همکاران (سیدحسن حسینی، مریم قاضی‌نژاد، فاطمه جواهری، حسن رفیعی و ایرج فیضی) (۱۳۹۴) زنان و مسائل اجتماعی، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۴ تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۴

مسائل اجتماعی ایران، سال هفتم، شمارهٔ ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص۱۷۷- ۱۸۶

در این یادداشت، صرفاً به معرفی و بررسی کتاب *زنان و مسائل اجتماعی* می‌پردازیم. این کتاب پنج مقاله را در حوزهٔ مهم‌ترین جرم‌ها و مسائل اجتماعی زنان چون تن‌فروشی، اعتیاد، ایدز، احساس ناامنی در فضای شهری و مشکلات خانوادگی دربرمی‌گیرد. مقالهٔ ششم به ارائهٔ برنامه‌ها و راهکارهای عملی در برخورد با آسیب‌ها و مسائل اجتماعی می‌پردازد. این کتاب زیرنظر سید حسین سراج‌زاده تدوین شده است. اولین مقاله را، با عنوان "زنان و مسائل اجتماعی در شهر تهران"، سراج‌زاده و همکارش ایرج فیضی نوشته‌اند. نویسندگان ابتدا به تعریف مسائل اجتماعی پرداخته‌اند و این مسائل را حاصل وضعیت اجتماعی خاصی دانسته‌اند که با ارزش‌های شمار زیادی از مردم مغایر است و آنان برای اصلاحش دست به اقدام عملی مشترک می‌زنند. مسائل اجتماعی زنان نیز در دو دسته متمایز شده است: دستهٔ اول، مسائل اجتماعی ویژهٔ زنان، شامل خشونت علیه زنان و انواع تبعیض‌های جنسیتی است و دستهٔ دوم، مسائل اجتماعی مهم‌تر برای زنان است که برای هر دو جنس قابلیت طرح دارد، ولی زنان به‌دلیل ویژگی‌های زیستی یا هنجارهای اجتماعی، بیشتر از آن رنج می‌برند؛ مانند خشونت خانگی، مزاحمت جنسی، ناامنی و... .

نویسندگان، سپس، نظریه‌های جامعه‌شناختی این حوزه را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که: «از بین رویکردهای مطرح‌شده برای مسائل اجتماعی، به‌نظر می‌رسد مسائل اجتماعی شهری و به‌تبع آن مسائل اجتماعی زنان در جامعهٔ ایران را بتوان با تلفیق رویکردهای بی‌سازمانی اجتماعی، تضاد ارزشی و تا حدودی برساخت‌گرایی تبیین و تحلیل کرد؛ زیرا، افزایش مسائل اجتماعی‌ای که در گذشته وجود داشته‌اند و نیز تغییرات کیفی آنها را می‌توان ناشی از عدم تعادل‌هایی دانست که به‌دلیل تغییرات اجتماعی در نظام زندگی شهری و نیز موقعیت و نقش زنان پیش آمده است و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی قبلی و نیز نظام نظارت اجتماعی برآمده از آنها را تضعیف و ناکارآمد کرده است (رویکرد بی‌سازمانی اجتماعی). این عدم تعادل‌ها، تضادهای اجتماعی و فرهنگی موجود، ازقبیل تضادهای جنسیتی، را فعال کرده یا تضادهای جدیدی ایجاد کرده است که خود منشأ ایجاد تعارض‌های ارزشی و منفعتی بین گروه‌های اجتماعی شده‌اند (نظریهٔ تضادی). در این فضای نامتعادل پرتضاد، ارزش‌هایی خلق و فعال می‌شوند که براساس آنها، برخی موضوعاتی که سابقاً عادی تلقی می‌شده‌اند مسئلهٔ اجتماعی تعریف می‌شوند و گاه مسائل اجتماعی سنتی به‌صورت متفاوتی فهمیده می‌شوند (رویکرد برساخت‌گرایی). براین‌اساس، لازم است در تعریف، تبیین و تحلیل، و ارائهٔ راه‌حل برای هر مسئلهٔ اجتماعی، بی‌تعادلی‌های ایجادشده در زندگی اجتماعی شهری، که به آن موضوع مرتبط است، و نیز تضادهای اجتماعی پیرامون آن مسئله شناسایی شوند و نیز فرایند پویایی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-05-02]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1395.7.2.9.2]
[DOI: 10.18869/acadpub.jspi.7.2.177]

ساخت‌یابی اجتماعی آن مسئله براساس تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان‌بینی‌ها و نیز تعاملات اجتماعی بین‌گروهی در کانون توجه قرار گیرد (صص ۷۷ و ۷۸).

سراج‌زاده و فیضی، سپس، به تفاوت جنسیتی در زمینهٔ مسائل اجتماعی در سه جنبهٔ متفاوت اشاره می‌کنند: تفاوت زنان و مردان در ارتکاب جرم، که یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی در همهٔ جوامع است؛ تفاوت زنان و مردان در ارزیابی و اولویت‌بندی مسائل اجتماعی و سر آخر، تفاوت زنان و مردان در بزه‌دیدگی، ترس از جرم و احساس امنیت. این تفاوت‌ها به ترتیب براساس نتایج و یافته‌های تجربی چندین تحقیق اجتماعی مطرح شده‌اند و خواننده درمی‌یابد که ساختار جرم در جامعهٔ ما هنوز کاملاً مردانه است و کمتر از ۱۰ درصد محکومان دادگاه‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین، زنان به مسائلی چون طلاق، ناامنی و روابط نامشروع حساس‌ترند.

در پایان، نویسندگان این نکته را خاطرنشان می‌کنند که مسائل اجتماعی در کلان‌شهرهایی مانند تهران، که دارای فضاهای شهری گوناگون و پرشمار است، به‌گونه‌ای است که به دشواری می‌توان تصور کرد که دو منطقه یا محله با مسائل اجتماعی مشابه درگیر باشند یا ظرفیت‌های مشابهی برای مقابله با مسائل اجتماعی داشته باشند. به‌همین‌دلیل، در برنامه‌ریزی برای کاهش مسائل اجتماعی شهری توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای و محله‌ای اهمیت دارد. مقالهٔ زنان و مسائل اجتماعی در شهر تهران، نکات بسیاری برای آموختن دارد و ارزش دارد تا دوبار خوانده شود و دقایق آن در کانون توجه قرار گیرد.

در مقالهٔ دوم، سید حسن حسینی به بررسی مشکلات زنان در خانواده‌های تهرانی پرداخته است. او ابتدا به تعاریف و ویژگی‌های خانواده در چارچوب‌های مفهومی مختلف می‌پردازد و انواع خانواده را با توجه به ساخت و ترکیب و روابط درون آن مشخص می‌کند. خانوادهٔ گسترده، خانوادهٔ هسته‌ای، خانوادهٔ مادرتبار، خانوادهٔ فرزندمرکز، خانوادهٔ کارگری و... تعریف و معرفی شده‌اند. سرانجام، به دیدگاه‌های کلی درباب تحولات خانواده می‌پردازد.

در دیدگاه اول (اضمحلال) عده‌ای معتقدند که خانواده بسیاری از کارکردهای خود را از دست داده و به واحدی مصرفی تبدیل شده است. روابط خانوادگی کم‌محتوا شده‌اند و خانواده تحلیل رفته است. در دیدگاه تغییر، خانواده پناهگاه و کانون ویژه‌ای برای نیازهای عاطفی است. شلسکی خانواده را تنها باقی‌ماندهٔ ثبات اجتماعی معرفی می‌کند و با هرگونه اقدامی که به برهم زدن نظم و ثبات خانواده منجر شود مخالفت می‌کند. پارسونز نیز از رهیافت ساخت و وظیفه به خانواده می‌نگرد. از نظر او، خانواده دو وظیفهٔ اساسی و تفکیک‌ناپذیر برعهده دارد: اجتماعی‌کردن کودکان و حفظ تعادل شخصیت بزرگسالان جامعه.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-05-02]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1395.7.2.9.2]
[DOI: 10.18869/acadpub.jspi.7.2.177]

حسینی، سپس، با استناد به تحقیقات انجام‌شده در شهر تهران، مشکلات زنان را به این ترتیب مشخص می‌کند:

طلاق، ازدواج جوانان، نزاع‌های خانوادگی، همسرآزاری، کودک‌آزاری، فرار دختران از خانه، خیانت در روابط زناشویی، خانواده‌های بی‌سرپرست. نویسنده یادآوری می‌کند که تغییرات و تحولاتی که در ساختار خانواده به‌وجود آمده و نتایج و پیامدهایی که این تغییر و تحولات به دنبال داشته است، خود به عاملی برای ایجاد آسیب‌های خانوادگی و مسائل و مشکلات زنان به طور خاص تبدیل شده است.

مقاله با توصیف تجربهٔ کشور فرانسه در رسیدگی به مشکلات زنان به پایان می‌رسد. چهار سازمان دولتی صندوق اولیهٔ بیمهٔ درمانی، صندوق کمک‌معاش خانواده، مؤسسهٔ ملی برای کار، و شهرداری‌ها مهم‌ترین سازمان‌های ارائهٔ کمک اجتماعی به شهروندان فرانسوی است. شهرداری‌ها درکنار مددکاران اجتماعی، دفتر صدور مجوز و نظارت بر انجمن‌های داوطلب را نیز در اختیار دارند. مقاله در اینجا ناگهان به پایان می‌رسد و خواننده را با انتظارات برآورده‌نشده رها می‌کند. نویسنده هیچ آمار یا گزارشی از مشکلات هشت‌گانهٔ زنان شهر تهران ارائه نمی‌کند (به این مشکلات به‌طور مختصر در مقالهٔ سراج‌زاده اشاره شده است). مقاله در بحث سیاست‌های اجتماعی در حوزهٔ خانواده، تجربه‌های دیگر کشورها را ناگفته می‌گذارد و صرفاً به فرانسه اکتفا می‌کند، بدون آنکه دلیل انتخاب فرانسه و برتری احتمالی آن را برای خوانندگان مشخص کند.

مقالهٔ «جنسیت، امنیت و فضا» نوشتهٔ مریم قاضی‌نژاد و همکارانش طولانی‌ترین مقالهٔ کتاب است که موضوع اصلی آن زنان و احساس ناامنی آنان است. نویسندگان می‌گویند که «مرور رویکردهای نظری و نتایج پژوهش‌های موجود در زمینهٔ مسائل و مشکلات امنیتی زنان در شهرها مشخص می‌کند که با وجود تفاوت‌ها، عدم انسجام و پراکندگی بسیار در الگوی پژوهش‌ها و نتایج حاصل، ترس از جرم و احساس ناامنی و خطر در میان زنان در محیط‌های شهری مسئله‌ای واقعی و مهم است؛ زیرا:

۱. برحسب آمارهای موجود حاصل از نتایج پیمایش‌های کمی مسئله‌محور، میزان درخور ملاحظه‌ای از انواع ترس‌ها و تهدیدهای امنیتی و مشکلات روانی و اجتماعی مرتبط با آنها در جوامع شهری، به‌ویژه کلان‌شهرها، در نقاط مختلف دنیا وجود دارد که درحال افزایش نیز هست.

۲. برحسب نتایج تحقیقات کیفی هدفمند و عمیق در میان گروه‌های مختلف زنان در شهرها، زنان بیشترین آسیب را از ناامنی‌های شهری دیده‌اند و نگرانی و ترس زیاد و مستمری در خود احساس می‌کنند، بیشترین رنج پنهان را در این زمینه متحمل می‌شوند، و کمترین توانمندی و امکان را برای مقابلهٔ مؤثر و فعال با عوامل ناامنی دارند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-05-02]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1395.7.2.9.2]
[DOI: 10.18869/acadpub.jspi.7.2.177]

۳. جنسیت زنان مهم‌ترین عامل درمیان مجموعهٔ عواملی است که ارتباط زیاد و روشن‌تری با ترس و احساس ناامنی زنان در شهرها دارند و دیگر ویژگی‌های فردی- اجتماعی نظیر سن، سواد، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، قومیت و مشخصات ظاهری زنان (در مقایسه) ربط زیادی به مزاحمت برای آنان در فضاهای عمومی شهری نداشته است.

- ترس و ناامنی زنان به‌ویژه ناشی از ترس از حملهٔ جنسی (اغلب در جوامع غربی)، آزار جنسی و نابهنجاری‌ها و سوءرفتارهای مدنی مرتبط با جنس (در جوامعی نظیر ایران) است که عموماً بر ترس از سرقت، خفه‌شدن، ترس از غریبه‌ها، ترس از اماکن و خیابان‌های تاریک و دیگر موقعیت‌های تهدیدکنندهٔ امنیت زنان نیز تأثیرگذار است و همواره در مرتبهٔ بالاتری از تمام موارد پیش‌گفته قرار می‌گیرد و بیشترین اقدامات احتیاطی، مقابله‌ای و مداخله‌ای زنان و مراقبان آنها نیز در همین زمینه صورت می‌گیرد.
- عامل ثابت و محوری در تمام جوامع و اغلب مطالعات مربوط به امنیت و ناامنی زنان، به‌طور مشخص، «جنسیت زنان» است که ترس از جرم و دیگر آسیب‌ها و تهدیدهای زندگی شهری، علت‌ها و نتایج آنها، با این عنصر گره‌می‌خورد. بنابراین، هرگونه تحلیل و ارزیابی وضعیت امنیت و ناامنی زنان در شهرها و نیز سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های مربوط به پیش‌گیری و کاهش/ رفع ناامنی، بدون توجه به این مسئله، اشتباهی بزرگ و دارای کمترین نتیجه و تأثیر مثبت خواهد بود.

۴. براین‌مبنا، در مبارزه با جرم و ناامنی و کاهش ترس از جرم در شهرها در میان زنان، علاوه‌بر توجه به منطق و دیدگاه بی‌نظمی و بی‌سازمانی در شهرها و مناطق محل زندگی افراد (زنان) و رفع مخاطرات فیزیکی-محیطی و نشانه‌های رؤیت‌پذیر ناامنی در سطح عینی و مادی (نظیر مکان تاریک، ساختمان مخروبه، محیط‌های ناآشنا، تنگی معابر و...)، بایستی به عوامل اجتماعی- فرهنگی (جزو دوم فضا) و تمرکز بر افراد، افکار و رفتارهای انسان‌های حاضر در فضای شهر نیز توجه کرد.

- حضور مردان در مکان (شهر) با ذهنیت و روان ناسالم، غیرفرهنگی و رفتار غریزی (فقدان سرمایهٔ فرهنگی لازم برای زندگی اجتماعی به دور از تجاوز و تخطی به هم‌نوع) می‌تواند تأثیر تمام تمهیدات فیزیکی-محیطی نظم‌بخش و اطمینان‌آور برای عموم شهروندان را کاهش دهد و زنان را در زمینهٔ ایمنی و امنیت ناکارآمد سازد. دراین‌باره، هم‌سو با نظریه‌پردازان، ذهن در شهر می‌تواند در ظرف زمان و مکان (فضای کالبدی شهر) جریان پیدا کند و امنیت ذهنی و عینی زنان را در وجوه فردی و اجتماعی تهدید کند.
- براین‌اساس، می‌توان نتیجه گرفت که معضل اصلی در مسئلهٔ امنیت زنان در شهرها، به حوزهٔ فرهنگ مربوط است و متوجه شیوهٔ تفکر و نحوهٔ حضور یا «بودن» انسان‌ها در فضای شهر است که باید تغییر کند و اصلاح شود. باید توجه کرد که صرف بهبود اوضاع فیزیکی و مادی

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-05-02]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1395.7.2.9.2]
[DOI: 10.18869/acadpub.jspi.7.2.177]

و طراحی‌های زیست‌محیطی شهرها و ارتقای شاخص‌های مرتبط با نور و مبلمان و حمل‌ونقل و مکان و غیره برای رفع ناامنی و ارتقای احساس امنیت شهروندان کفایت نمی‌کند؛ البته، بی‌تردید این موارد از لوازم ضروری افزایش احساس امنیت ساکنان، به‌ویژه زنان، در شهرهاست. بنابر مفروضات و منطق دیدگاه مذکور، توجه هم‌زمان به دو رکن اصلی شهر؛ یعنی: ۱. فضا / کالبد مادی و ۲. انسان در فضا / محتوای اجتماعی-فرهنگی، لازمهٔ هرگونه سیاست، برنامه و راهکار مؤثر و پایدار در حوزهٔ امنیت زنان خواهد بود.

۵. دراین‌زمینه، آنچه مهم و ریشه‌ای قلمداد می‌شود و در ادبیات پژوهشی متأخر نیز نیاز به تغییر آن شناسایی و مشخص شده است، دیدگاه شهرنشینان، به‌ویژه مردان، است؛ به‌نحوی‌که زن را ابزار، شیء و جنس تملک‌پذیر و در اختیار مردان نبینند، حریم انسانی و اجتماعی او را در جایگاه هم‌نوع و صاحب‌حق نشکنند و او را هدف تعرض و بی‌حرمتی قرار ندهند و با این کار، برای اخلاق عمومی، اعتقاد دینی و زندگی اجتماعی در شهرها و جامعه مشکل و پیامد منفی ایجاد نکنند (صفحات ۱۹۵-۱۹۳).

پاراگراف‌های بالا از بخش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مقاله نقل شده‌اند و چکیدهٔ خوبی از مقاله هستند که با وجود نثر حرفه‌ای و انسجام خوب مطالب، تکرارشان ملال‌آور شده است، درعین‌حال، جامعیت مقاله تحسین‌برانگیز است.

مقالهٔ «بررسی وضعیت تن‌فروشی زنان در شهر تهران»، نوشتهٔ فاطمه جواهری و مینا هلالی ستوده، از بهترین مقالات این کتاب است. نویسندگان با روش مطالعهٔ اسنادی و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پژوهش‌های پیشین، درصددند تا تصویری کلی از وضعیت تن‌فروشی زنان در شهر تهران ارائه دهند. آنها ابتدا تن‌فروشی را تعریف می‌کنند: تن‌فروشی، فروش خدمات جنسی با هدف کسب منافع مالی است. تعامل میان فرد تن‌فروش و مشتری او اغلب براساس شناخت پیشین یا رابطهٔ عاطفی نیست. این رابطه برپایهٔ توافق طرفین صورت می‌گیرد نه اجبار. ارتباط میان تن‌فروش و مشتری او موقتی و ناپایدار است.

تن‌فروشی در دستگاه‌های مفهومی مختلف معناهای متفاوتی می‌یابد. کارکردگرایان روسپی‌گری را ضرورت اجتماعی و «شرّ لازم» زندگی انسانی می‌دانند؛ زیرا، تن‌فروشی زنان مازاد نیروی جنسی مردان را صرف می‌کند و به‌این‌ترتیب از نجابت دختران و زنان نیک‌سرشتی که ممکن است مورد تجاوز قرار گیرند یا با فروپاشی زندگی زناشویی مواجه شوند محافظت می‌کند. اما نظریه‌پردازان رادیکال طرفدار حقوق زنان، که سلطهٔ جنسی مردان بر زنان را در نظر دارند، تن‌فروشی را تجسمِ ستمِ مردسالارانه می‌دانند. این تفسیر بر این فرض استوار است که هیچ زنی با رضایت و آزادانه به انتخاب تن‌فروشی نمی‌پردازد. اما عده‌ای دیگر، برعکس، عقیده دارند که زنان از بدن خویش همچون کالایی برای دستیابی به سرمایهٔ اقتصادی استفاده می‌کنند و

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-05-02]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1395.7.2.9.2]
[DOI: 10.18869/acadpub.jspi.7.2.177]

براساس انتخابی عقلانی، که در آن برآورد هزینه و پاداش به نقطهٔ سربه‌سر رسیده، تن‌فروشی را به‌مثابهٔ شغل خویش پذیرفته‌اند. جامعه‌شناسان معمولاً تن‌فروشی را به‌دلیل مغایرت با بنیان‌های اخلاقی و مذهبی جامعه و پیامدهای آسیب‌زایی که برای نظم اجتماعی دارد، مسئله یا مشکل اجتماعی تلقی می‌کنند. در برخی جوامع، تن‌فروشی رفتاری مجرمانه است.

در مرحلهٔ بعد، نویسندگان به تن‌فروشی در عرصهٔ عمومی جامعهٔ ایران می‌پردازند. آنها اشاره می‌کنند با وجود آنکه در جامعهٔ ایران تن‌فروشی جرم است، در نظام جزایی کشور برای آن تعریف و مجازات خاصی تعیین نشده است. بررسی افکار عمومی مردم درباب تن‌فروشی نشان می‌دهد که نکوهیده‌بودن انحرافات جنسی در افکار عمومی مردم در سطح شهر تهران در حال کاهش است؛ زیرا، وجدان اخلاقی جامعه تا حدی به نادیده‌انگاشتن آن یا چشم‌پوشی از آن گرایش دارد.

جواهری و همکارش به عوامل زمینه‌ساز تن‌فروشی می‌پردازند و با استفاده از نظریهٔ بی‌سازمانی اجتماعی گسترش بزهکاری و فحشا در جامعهٔ امروز ایران را تحلیل می‌کنند: گذار جامعهٔ ایران از وضعیت سنتی و مواجهه با عناصر فرهنگ جهانی منشأ رویارویی با ارزش‌های جدید، مشکل همسازکردن آن با ارزش‌های پیشین و درنتیجه، تعارض ارزشی است. سست‌شدن قواعد اخلاقی پیشین، کاهش پایبندی‌های اخلاقی، ضعف قانون‌مداری، تضعیف نقش و جایگاه خانواده و افزایش طلاق و خانواده‌های نابه‌سامان، ازجمله پیامدهای بی‌سازمانی و آشفتگی اجتماعی است. ویژگی کلان‌شهرها مانند جمعیت زیاد مهاجر، گم‌نامی، عدم نظارت مستقیم، شلوغی شهر، وجود منابع بیشتر برای کسب درآمد، تعدد و تنوع در فضاها، نقاط مواصلاتی فراوان و بی‌نظمی فیزیکی، امکان بروز رفتارهای انحرافی در تهران را بیشتر می‌کند و درعین حال، امکان شناسایی افراد متخلف را کاهش می‌دهد. نابه‌سامانی در خانواده یکی از علل بارز ورود زنان به روسپی‌گری است. درکنار فشارهای اجتماعی پیش‌گفته، ویژگی‌های فردی مانند ضعف نظام شخصیتی، عزت‌نفس پایین و تجربه‌های ناگوار زندگی مانند آزار جنسی در کودکی نیز نقش مهمی در ورود فرد به روسپی‌گری دارند.

نویسندگان مقاله با استناد به نتایج چند تحقیق انجام‌شده، الگوی کار زنان تن‌فروش در شهر تهران را ترسیم می‌کنند و سن شروع فعالیت، زمان و مکان کار، تراکم کار و قیمت‌گذاری آن را مشخص و اطلاعات مقاله را با مروری بر تجربهٔ زیستهٔ چند زن تن‌فروش تهرانی تکمیل می‌کنند. بخش پایانی مقاله به سیاست‌گذاری کشورهای مختلف دربرابر تن‌فروشی اختصاص دارد. درمجموع، سیاست‌گذاری کشورهای مختلف را می‌توان روی طیفی مدرج، از مخالفت کامل تا مجازسازی، دسته‌بندی کرد: براساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده از ۱۰۰ کشور دنیا (۲۰۰۹)، روسپی‌گری در ۵۰ درصد از کشورها فعالیتی قانونی، در ۱۱ درصد قانونی اما محدود،

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-05-02]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1395.7.2.9.2]
[DOI: 10.18869/acadpub.jspi.7.2.177]

در ۳۹ درصد از کشورها ازنظر قانونی ممنوع است. ایران، عربستان، مصر و برخی کشورهای اسلامی در گروه آخر قرار دارند.

گسترش پدیدهٔ روسپیان خیابانی در سطح شهر تهران باعث شده است تا سازمان‌ها و نهادهای مختلف مانند وزارت بهداشت، بهزیستی و شهرداری طرح‌هایی همچون طرح ساماندهی زنان ویژه را به اجرا درآورند، اما نمی‌توان از نظر دور داشت که عملکرد این سازمان‌ها در بهترین وضعیت در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از تن‌فروشی، فرار از خانه و اعتیاد مؤثر است، اما در شناسایی و ازمیان‌برداشتن ریشه‌ها و علل اساسی آن نقش چندانی ندارد. نویسندگان کار خود را با نتیجه‌گیری و ارائهٔ راهکارهای جامع به پایان می‌رسانند، راهکارهایی که باید برای حل همهٔ مسائل اجتماعی زنان سرلوحهٔ عمل قرار گیرند.

حسن رفیعی، رؤیا نوری و سعید نوروزی به بررسی اعتیاد و ایدز در زنان شهر تهران پرداخته‌اند. آنها می‌گویند تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که بدن زنان دربرابر اثر الکل، توتون و مواد دیگر حساس‌تر از بدن مردان است و زنان برخی مشکلات مربوط به مواد و الکل را خیلی زودتر از مردان نشان می‌دهند. زنان سریع‌تر از مردان به مواد وابسته می‌شوند. میزان مرگ زنان در صورت تزریق بیشتر از مردان است و زنان، به‌دلیل تغییرات هورمونی ماهانهٔ بدنشان، سخت تر از مردان اعتیاد را ترک می‌کنند. ازآنجاکه بسیاری از زنان مصرف‌کنندهٔ مواد، در سن باروری قرار دارند، اثر این مواد بر جنین در حال رشد موضوعی جدی به‌شمار می‌رود.

بین فقر، روسپی‌گری و اعتیاد همبستگی قوی‌ای وجود دارد. زنان برای کسب درآمد به روسپی‌گری روی می‌آورند. برای آنکه بتوانند دربرابر مشکلات روانی و دردهای جسمانی حاصل از رابطه‌های جنسی مکرر مقاومت کنند، ناگزیر به استفاده از مواد مخدر هستند. ازآنجاکه تهیهٔ مواد مخدر پرهزینه است، به‌تدریج در مسیری قرار می‌گیرند که باید تن‌فروشی کنند تا بتوانند مخارج اعتیاد خود را بپردازند. درواقع، اعتیاد هم معلول تن‌فروشی است هم علت آن. روسپی گری و تزریق مواد دو عامل خطرزای مهم برای ابتلا به ایدز به‌شمار می‌رود.

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد انتقال ویروس ایدز در جهان در حال افزایش است. درعین‌حال، نتایج تحقیق‌ها از سیر صعودی تزریق مواد در بین زنان خبر می‌دهد و اغلب پژوهش‌ها افزایش ابتلا به ایدز را در زنان گزارش کرده‌اند که هم به‌دلیل تزریق مواد و هم به‌دلیل رابطهٔ جنسی محافظت‌نشده و روسپی‌گری است. سازمان ملل در سال ۲۰۰۶، از رابطهٔ تنگاتنگ مصرف تزریقی مواد و روسپی‌گری و نسبت فزایندهٔ ابتلا به ایدز در برخی کشورها خبر داده است.

در ایران نیز یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که شمار زنان معتاد کمتر از مردان است؛ به همین‌دلیل، تا سال ۲۰۰۷، تأسیس مرکز درمانی ویژهٔ زنان ضروری تشخیص داده نشده بود. ورود به درمان برای زنان با دشواری‌هایی روبه‌رو است که برخی ناشی از ماهیت اعتیاد در زنان

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-05-02]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1395.7.2.9.2]
[DOI: 10.18869/acadpub.jspi.7.2.177]

و برخی دیگر ناشی از فقدان خدمات برازنده (متناسب با نقش مادری) برای آنهاست. مطالعهٔ زنان مصرف‌کنندهٔ مواد در شهر تهران نشان می‌دهد که اکثر آنها یکی از اعضای درجهٔیک خانواده یا همسری معتاد داشته‌اند و درحقیقت، قربانیِ اعتیادِ بستگانشان هستند. بررسی وضعیت تأهل این زنان حاکی از وجود نابهنجاری است. غالب این زنان به‌اجبار وضعیت خانوادگی، به ازدواج زودرس در ۱۱ تا ۱۸ سالگی تن داده بودند و در زمان مطالعه مطلقه بودند یا ازدواج‌های مکرر و طلاق‌های متعدد داشتند. بررسی این زنان نشان داد آنها به‌ضرورت پیش گیری از ابتلا به ایدز آگاه نبودند و هر نوع راهبرد در این زمینه باید با درنظرگرفتن درمان اعتیاد و توانمندسازی این زنان باشد.

این خلاصهٔ جامع، تمام نکات مهم این مقالهٔ ضعیف و آشفته را بیان و شما را از خواندن آن بی‌نیاز می‌کند. مقالهٔ «اعتیاد و ایدز در زنان شهر تهران» با رویکرد روان‌شناختی نوشته‌شده و از بینش جامعه‌شناختی بی‌بهره است. نویسندگانش مجموعهٔ بی‌نظمی از نتایج تحقیقات گوناگون و سیاست‌های اتخاذشده در چند کشور را عرضه می‌کنند که به تکرار می‌افتد و با کاربرد کلمهٔ «جنس‌واره» به‌جای «جنسیتی» و «ناکا/واکا» به‌جای ایدز، بر آشفتگی مجموعه می‌افزایند. بخش راهبردها به مقاله آخر کتاب یعنی "برنامه‌ها و راهکارهای عملی برخورد با آسیب‌های و مسائل اجتماعی"، منتقل شده است، که در آنجا نیز آشفتگی خود را نشان می‌دهد، چون نویسندگان به اشتباه یک طرح عملی مداخله‌گری را به‌همراه جزئیات مالی و برنامهٔ زمانی بازنویسی کرده‌اند، که قطعاً الهام‌بخش است، اما در جای نامناسبی ارائه شده است.

آخرین مقالهٔ کتاب، با مشارکت تمام نویسندگان اصلی مقالات پیشین نوشته‌شده و می‌کوشد تا پیشنهادهایی عملی برای مواجهه با مسائل اجتماعی ارائه دهد. نویسندگان ابتدا ضرورت داشتن رویکرد واقع‌گرا، نگاه انسانی به آسیب‌دیدگان اجتماعی و استفاده از مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد را خاطرنشان می‌سازند؛ سپس، تحلیل راهبردی (SWOT) را برای شهر تهران دربارهٔ کاهش آسیب‌ها و مسائل اجتماعی (ضعف‌ها، قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای آن) ارائه می‌دهند و راهکارهایی برای مقابله با تن‌فروشی، اعتیاد، ایدز و ناامنی در محیط‌های عمومی پیشنهاد می‌کنند که مهم‌ترین آنها به این شرح است:

توانمندسازی شخصیتی، جنسیتی و اقتصادی زنان در سطح فردی. آموزش رابطهٔ جنسی سالم و مؤثر به همسران، پرهیزدادن از ازدواج‌های ناخواسته، توسعهٔ مراکز بهداشت خانواده و جلوگیری از افت تحصیلی فرزندان در سطح خانوادگی. کاهش فضاهای بی‌دفاع شهری و رؤیت‌پذیرساختن شهر، کاهش آلودگی‌های فیزیکی و صوتی، توسعهٔ امکانات تفریحی و تقویت اورژانس اجتماعی در سطح شهری و کاهش فقر اقتصادی، اصلاح فرهنگ جنسیتی مردسالارانه، تقویت اخلاق شهروندی، توسعهٔ سازمان‌های مردم‌نهاد و ارائهٔ خدمات جنسیت‌مدار در سطح جامعه.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-05-02]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1395.7.2.9.2]
[DOI: 10.18869/acadpub.jspi.7.2.177]

کتاب *زنان و مسائل اجتماعی*، یکی از نخستین آثار پژوهشی در این حوزه است که به شایستگی به سؤالات موجود در این زمینه پاسخ می‌دهد و در سال‌های آتی بارها پژوهشگران تحقیقات اجتماعی به آن ارجاع خواهند داد. اشکالات ذکرشده و غلطهای تایپی اندک کتاب، به خلأ حضور ویراستار بازمی‌گردد و رفع آنها در چاپ‌های بعدی امتیاز این کتاب را افزون‌تر خواهد کرد.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1395.7.2.9.2]

[DOI: 10.18869/acadpub.jspi.7.2.177]

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1395.7.2.9.2]

[DOI: 10.18869/acadpub.jspi.7.2.177]